

آسید، نماینده فوتبال استان و سفارش به سکوت

آسید که معرف حضورتان هست، رفیق شفیق من است، عاشق فوتبال و ورزش بوده و تعصب خاصی هم به فوتبال استان دارد. سراسیمه به محل کار من آمد و بدون مقدمه گفت: بس کن دیگه، بی کاری؟ حوصله داری؟ چرا این قدر از تیم فوتبال بدون نام می نویسی و یک مجموعه را با خودت دشمن می کنی؟ در شهری که گوش شنوایی برای شنیدن حرف حق در ارتباط با فوتبال نباشد همان بهتر که تو نیز قلم خود را در این مورد غلاف کنی و دوستانت را به دشمنان خونی تبدیل نکنی. اصلا به تو چه مربوطه که تیم را انتقال دادند یا نه؟ به تو چه ربطی داره متقاضیان تیم از صحنه فرار کردند و یا ماندند؟ اصلا تو چه کاره ای که بگویی مالک تیم چه کسی است و هزینه های تیم از کجا تامین می شود؟ تو را چه کسی وکیل کرده است که از شور و نشاط حرف بزنی، قربان صدقه بازیکنان بروی؟ به تو چه ربطی دارد تیم قهرمان می شود یا به دسته سوم رفتنی می شود؟ خودت را خسته نکن و پایت را از گلیم این تیم بکش بیرون، شورا کمک کرد یا نکرد و گفتند و یا نگفتند به تو فسقلی چه ارتباطی دارد؟ زیاد حرف نزن، شنیده ام می خواهند دمار از روزگار منتقدان درآورند، به زن و بچه هات این آخر عمری رحم کن و برو به زندگی ات برس، به ما هیچ ربطی ندارد، آقایان صاحب اختیارند و بهتر می دانند که چکار بکنند. تو که رفیق آنها نیستی، من اگر مسؤول بودم حتما هوای تو را نگه می داشتم، خوب معلومه خیلی ها هوای همدیگر را دارند.

تو چرا خودت را خسته می کنی و می خواهی خود هر آشی بشوی؟ قبل از این که در قبال تو موضعگیری بکنند و تو را به نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی متهم بکنند، ول کن آقا، فوتبال این استان را به چند خبرنگار که نسپرده اند، این همه گفتید چه شد؟ تازه گفته های شما عوض این که موقعیت عده ای را متزلزل بکند به تحکیم موقعیت آنها منجر شده است.

گفتم آسید فدای تو بشم، خوب راهنمایی ام کردی، دست تو را می بوسم، خدا عمرت بدهد، به عزتت بیفزاید، هزار سال عمر بکنی و همیشه جیب پر از پول داشته باشی. مگه من تا حال چیزی در مورد تیم فوتبال بی نام اردبیل گفته ام، اصلا و ابدا، اشتباه به

محضرشان رسانده اند. تیم خیلی وقت است به بخش خصوصی واگذار شده است. تیم در کورس رقابت برای قرار گرفتن در صدر جدول رده بندی است. مسؤلین با تمام وجود حامی این تیم هستند، همه نیازهای بازیکنان و دست اندرکاران با محبت و عنایت حضرات برآورده شده است، نیازی نیست ، هوا کاملا آفتابی است. من غلط می کنم حرف دیگری غیر از این بزنم.

حوصله خیلی ها را ندارم، مرا چه به تهدید شدن و اخطاریه دیدن، یه هویی می بینی با اقدامات این حضرات قلب بیمارم از کار ایستاد و خونم افتاد به گردن واگذار کنندگان تیم به بخش خصوصی

حتما راهنمایی تو را به جان می خرم، اوضاع خیلی مساعد است، مشکلی نیست، تیم حتما در فصل آینده .. اصلا به من چه مربوطه، متولی ورزش و آنهایی که باید حرف بزنند روزه سکوت گرفته اند، ما این وسط چه کاره ایم. راست می گویی راست. ما را چه به کار بزرگ ترها و قدر قدرتان. یا حق.